

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۱/۲۵

تحلیل فضایی و ارزیابی جایگاه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان لرستان

اکبر پرهیزگار^۱، عبدالرضا عزیزی فرد^۲، حمید صالحی^۳

چکیده

شناخت و تحلیل وضع موجود توسعه و بررسی امکانات و تنگناهای نواحی در زمینه‌های مختلف ضروری بوده و برنامه‌ریزان را در تعیین اهداف توسعه و مشخص کردن سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و راهکارهای دستیابی به آنها یاری می‌رساند. از طرفی در فرآیند برنامه‌ریزی و توسعه نواحی، تعیین سطوح برخورداری و توسعه نواحی و بررسی نقاط قوت و ضعف شرایط هر ناحیه در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، عمرانی و ... زمینه‌ی تخصیص بهینه منابع و امکانات را برای توسعه هماهنگ و متوازن فراهم می‌سازد. در این مقاله با بهره‌گیری از روش مورس و استفاده از ۲۷ شاخص در زمینه‌های آموزشی - فرهنگی، بهداشتی - درمانی و عمرانی - زیربنایی به ارزیابی و تعیین مرتبه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان لرستان پرداخته شده است. نتایج مطالعات نشان‌دهنده تفاوت بین شهرستان‌ها در سطوح توسعه-یافتگی است؛ به این صورت که از ۹ شهرستان استان، شهرستان‌های ازنا، پلدختر، سلسله و خرم‌آباد در سطح توسعه‌یافته و شهرستان‌های دلفان و کوهدشت به‌عنوان شهرستان‌های محروم شناخته شدند.

واژگان کلیدی: توسعه یافتگی، شاخص توسعه، ضریب ناموزون مورس، سیستم اطلاعات جغرافیایی، استان

لرستان.

^۱. دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران ایران.

^۲. نویسنده مسوول، کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، تهران ایران.

^۳. کارشناسی ارشد سیستم اطلاعات جغرافیایی (سنجش از دور)، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

مقدمه

نیاز به برنامه ریزی فضایی و متعاقب آن، برنامه ریزی منطقه‌ای به مثابه هدف نهایی آن طرح‌ها، هنگامی بروز می‌کند که به قولی "تراکم رشد" در برخی نقاط در پهنه ملی یا استانی، سبب بروز عدم تعادل و ناهماهنگی‌های ناهنجار گردیده و به دنبال آن دو نتیجه ناگوار ایجاد شود:

یکی، افزایش بی‌رویه جمعیت و دیگری عقب ماندن نقاط دیگر کشور یا استان. لذا یکی از ابزارهایی که می‌تواند در برنامه ریزی برای توسعه یکپارچه نواحی و مناطق مختلف یک کشور کاربرد وسیعی داشته باشد، دسته‌بندی مناطق یا شهرستان‌ها از لحاظ توسعه یافتگی و یا عدم توسعه یافتگی است (مسعود، ۱۳۹۰: ۲). با توجه به اینکه هدف اصلی توسعه حذف نابرابری‌هاست، بهترین مفهوم توسعه، رشد همراه با عدالت اجتماعی است. بنابراین، هدف کلی برنامه ریزی منطقه‌ای و یا توسعه اقتصادی، برقراری عدالت اجتماعی و توزیع رفاه و ثروت در بین افراد جامعه است. عدم توازن در بین مناطق در جریان توسعه، موجب ایجاد شکاف و تشدید نابرابری‌های منطقه‌ای می‌شود که خود مانعی در مسیر توسعه است (عبدلی، ۱۳۹۱: ۲۸). جهت دستیابی به این هدف، شناخت و تحلیل وضع موجود و بررسی امکانات و تنگناهای نواحی در زمینه‌های مختلف ضروری بوده و برنامه‌ریزان را در تعیین اهداف توسعه و مشخص کردن سیاست‌ها، خط مشی‌ها و راهکارهای دستیابی به آنها یاری می‌رساند. از طرفی در فرایند برنامه ریزی و توسعه نواحی، تعیین سطوح برخورداری و توسعه نواحی و بررسی نقاط قوت و ضعف شرایط هر ناحیه در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و عمرانی و ...، زمینه تخصیص بهینه منابع و امکانات را برای توسعه هماهنگ و متوازن فراهم می‌سازد (رضوانی، ۱۳۸۲: ۱). روش‌ها و مدل‌های گوناگونی برای سنجش سطح برخورداری و میزان توسعه یافتگی مناطق وجود دارد که هر یک محاسن و معایبی دارند، و هدف نهایی از گزینش هر یک از آنها، شناخت وضع موجود و تعیین و تحلیل میزان فاصله آن تا وضع مطلوب برای کمک به مدیران و برنامه‌ریزان در توزیع بهینه امکانات و خدمات خواهد بود. از جمله این روش‌ها می‌توان به آنالیز اسکالوگرام، تاکسونومی، تحلیل عاملی و مدل موریس اشاره کرد (خاکپور، ۱۳۸۸: ۴). برای تعیین سطوح برخورداری نواحی، شاخص‌ها نقش مؤثری دارند. شاخص‌ها در واقع به‌عنوان نشانگرهایی هستند که فرایند جمع‌آوری، طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل اطلاعات و نتیجه‌گیری منطقی و به‌طور کلی جهت‌گیری فعالیت‌ها را مشخص و از حیث مفهومی چارچوب مناسبی را برای هدف‌گذاری، تدوین برنامه ریزی و ارزیابی فعالیت‌ها فراهم می‌سازند (رضوانی، ۱۳۸۲: ۲).

رضوانی (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان تعیین و تحلیل سطوح برخورداری نواحی روستایی استان زنجان، با بهره‌گیری از "شاخص ناموزون موریس" و استفاده از ۲۷ شاخص در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی به تحلیل در این زمینه پرداخته است. نتیجه این مطالعه نشان‌دهنده تفاوت زیاد سطوح برخورداری دهستان‌هاست؛ و همچنین، امکانات محیطی و نزدیکی به مراکز شهری، کانون‌ها و محورهای توسعه، محدوده‌های صنعتی و شبکه‌های زیربنایی عمده، در سطوح برخورداری نواحی روستایی استان نقشی مؤثر داشته است (رضوانی، ۱۳۸۲).

برقی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با استفاده از ۱۴ شاخص و بهره‌گیری از روش موریس، به تحلیل درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان اصفهان در شاخص‌های عمده بخش کشاورزی پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد، شکاف و نابرابری بین شهرستان‌ها در زمینه فعالیت‌های کشاورزی عمیق بوده و نسبت آن تا ۱۴/۶ برابر است (برقی، ۱۳۹۰).

مسعود (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان تعیین درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان اصفهان با تکنیک تاکسونومی عددی، با استفاده از ۳۳ شاخص به تعیین درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان در دو مقطع زمانی ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ پرداخته است. نتایج گویای آن است که شهرستان‌های آران و بیدگل و اصفهان، توسعه‌یافته‌ترین و فریدون‌شهر توسعه‌نیافته‌ترین در سال ۱۳۸۵

می‌باشند. در حالیکه در سال ۱۳۷۵ دو شهرستان کاشان و فریدون‌شهر به ترتیب برخوردارترین و غیربرخوردارترین شهرستان‌های استان از لحاظ توسعه یافتگی بوده‌اند.

عبدلی، محمدی و بیرانوند (۱۳۹۱) در پژوهشی با استفاده از ۶۱ شاخص مربوط به بخش‌های مسکن، کشاورزی و صنعت و استفاده از روش تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی به سنجش توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان لرستان و تعیین سطوح برخورداری پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد، نابرابری بین شهرستان‌های استان طی دوره زمانی مورد بررسی در بخش مسکن و خدمات رفاهی - زیربنایی افزایش و در بخش کشاورزی و صنعت کاهش یافته است.

اسکندری (۱۳۸۰) در رساله‌ای با عنوان "ارزیابی توزیع مراکز خدمات درمانی شهر تهران با تأکید بر مناطق ۶ و ۱۹" به راهنمایی دکتر فرهودی، با استفاده مدل ضریب ناموزون موریس به مقایسه پراکندگی جمعیت و چگونگی توزیع مراکز ارائه‌دهنده خدمات درمانی در سطح شهر تهران با تأکید بر مناطق ۶ و ۱۹ پرداخته است.

قرلیوند (۱۳۸۴) در رساله‌ای با عنوان "بررسی و تحلیل نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی در نواحی شهری استان لرستان با تأکید بر نابرابری‌های صنعتی" به راهنمایی دکتر مستوفی‌الممالکی، با بهره‌گیری از ۷۷ شاخص و نیز استفاده تکنیک‌های تحلیل عاملی، ضریب اختلاف و ... به تحلیل در زمینه مذکور پرداخته است. در این تحقیق آمده است، بر اساس محاسبات صورت گرفته بین نواحی استان لرستان به لحاظ برخورداری از شاخص‌های توسعه نابرابری وجود دارد و نواحی استان لرستان را می‌توان به سه گروه برخوردار، نیمه برخوردار و محروم تقسیم نمود.

پژوهش حاضر، مستندسازی و گزارشی از یک مطالعه موردی است که با کمک گرفتن از مدل موریس و سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) و نیز تحلیل ۲۷ شاخص در زمینه‌ی آموزشی - فرهنگی، بهداشتی - درمانی و عمرانی - زیربنایی، به ارزیابی سطوح توسعه و برخورداری نواحی استان لرستان در سطح شهرستان پرداخته است.

مبانی نظری پژوهش

توسعه فرآیندی عینی و قابل سنجش اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است و برخلاف رشد، ماهیت پیچیده و چندجانبه‌ای دارد. این فرایند متناسب با نیازهای اساسی انسان ارتقاء یافته و از این‌رو، ظرفیت‌های جدیدی در جامعه ایجاد می‌شود، به طوری که کل جامعه را در وضعیت بهتر و مطلوب‌تری نسبت به گذشته آن قرار می‌دهد (فنی، ۱۳۸۸: ۵ و ۳).

عده‌ای از محققین ویژگی‌های زیر را در امر توسعه به‌ویژه در کشورهای جهان سوم به‌عنوان مفاهیم خاص توسعه می‌پذیرند:

۱- افزایش تولید کالا، خدمات و افزایش مصرف در یک سطح متعادل؛

۲- توسعه اقتصادی، لازم است رفاه اجتماعی برای همه مردم جامعه فراهم سازد و ضمن افزایش ثروت، توسعه فرهنگی و اجتماعی جامعه را سبب گردد؛

۳- افزایش سرمایه‌گذاری در تعلیم و تربیت و در پی آن افزایش آگاهی‌های مردم و ...؛

۴- توسعه سبب می‌شود که همه مردم جامعه از کیفیت زندگی خود، در شهر و روستا، اظهار رضایت کنند (شکویی، ۱۳۸۹: ۱۵۵).

تاکنون همه شاخه‌های دانش بشری، هریک به نحوی عامل توسعه را مورد سنجش و ارزیابی قرار داده‌اند.

جغرافیا مفهوم توسعه را با توجه به رابطه انسان و طبیعت مورد داوری قرار می‌دهد، چرا که در جغرافیا، هم محیط‌های طبیعی مطالعه می‌شود و هم عکس‌العمل‌های محیط اجتماعی بررسی می‌گردد. از این‌رو، اغلب جغرافی‌دانان در شناخت میزان توسعه نواحی، از معیارهای جغرافیایی مدد می‌گیرند (همان، ۱۶۲).

برنامه‌ریزی منطقه‌ای چنانکه امروزه هدف‌گذاری شده نه فقط توسعه منطقه‌ای، که نظم و نسق دادن منطقه را در پویای توسعه پایدار که به حق تبدیل به آرمان جهانی بشر شده، به عهده گرفته است (عظیمی، ۱۳۸۴: ۱۳).

اندیشمندان و صاحب‌نظران امر برنامه‌ریزی توسعه ناحیه‌ای و روستایی با ارائه دیدگاه‌ها و تئوری‌های خاص، هر کدام نابرابری‌های ناحیه‌ای و محلی را مطابق با موقعیت مکان و زمان خود مورد بررسی قرار می‌دهند. "گونار میردال" علل نابرابری‌های ناحیه‌ای را مورد بحث قرار می‌دهد و آن را ناشی از عوامل خارجی می‌داند که به دلیل انگیزه‌ی سودجویی شکل گرفته است و برتری اولیه و زمینه‌های تاریخی نواحی آن را شدت می‌دهد. "فرانسوا پرو" نحوه‌ی نگرش به توسعه را ناشی از قطب‌های رشد می‌داند که در مرحله اول با سرمایه‌گذاری کلان صنعتی در نواحی بزرگ واگرایی و نابرابری ایجاد می‌شود، و در مرحله‌ی دوم با انتشار تدریجی توسعه به سایر نواحی، هم‌گرایی و برابری ایجاد می‌شود. "جان فریدمن" در سال ۱۹۷۵ با ارائه نظریه "مرکز - پیرامون" مرکز را به عنوان منشأ توسعه دانسته که با زایش توسعه در مرکز به پیرامون جریان می‌یابد. مطابق این نظریه، دو جزء اصلی نظام سکونتگاهی عبارتند از: مرکز (کانون قدرت سلطه) و پیرامون (جزء وابسته به کانون مرکزی)؛ همچنین طبق این نظریه، رابطه‌ی مرکز با پیرامون یک رابطه‌ی استعماری بوده و سازمان اقتصادی ملی دارای فرایندی است که از چهار مرحله تشکیل شده است: مرحله پیش‌صنعتی، مرحله انتقالی، مرحله صنعتی و مرحله فراصنعتی (رضوانی، ۱۳۸۲: ۲).

در خصوص تحلیل و تبیین توسعه و توسعه نیافتگی می‌توان به نظریه‌ها و دیدگاه‌های کلاسیک و نوین توسعه از جمله نظریه جامعه‌شناختی نوسازی، نظریه‌های مارکسیست و نئومارکسیست، پسا‌ساختارگرایی و پساتوسعه‌گرایی اشاره کرد که در سطح جهانی و ملی به تبیین توسعه می‌پردازند (همان، ۳).

"نیازهای اساسی به عنوان راهبرد توسعه" که هدف آن تأمین نیازهای ضروری مردم یک کشور در محدوده زمانی معین می‌باشد. این راهبرد که از طرف برخی اقتصاددانان مطرح شد، توجه خود را به مسئله رفع فقر مطلق به ویژه با تأکید بر نیازهای اساسی انسان از جمله خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت، آموزش، حمل و نقل و تسهیلات فرهنگی معطوف داشته‌اند (فرجادی، ۱۳۷۰: ۱۲۰ و ۱۱۴).

اخیراً نیز در قالب نظرات و دیدگاه‌های نوین توسعه، رویکرد "توسعه به مثابه آزادی" مطرح شده است که مورد توجه صاحب‌نظران توسعه در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه جهان می‌باشد. این دیدگاه ابتدا توسط "سن آمارتیا کومار" هندی‌الاصل مطرح شد و سپس مورد توجه و کنکاش سایر اندیشمندان توسعه قرار گرفت. از دیدگاه آمارتیا، تأکید بر آزادی‌های انسانی در تعارض با دیدگاه‌های محدود توسعه، مانند شناسایی و سنجش توسعه با رشد تولید ناخالص ملی یا افزایش درآمدهای شخصی یا صنعتی کردن قرار می‌گیرد (فنی، ۱۳۸۸: ۴۲).

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کاربردی بوده و روش بررسی آن توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری، ۹ شهرستان استان لرستان با توجه به تقسیمات سیاسی سال ۱۳۸۵ می‌باشد. جمع‌آوری اطلاعات به دو روش کتابخانه‌ای - اسنادی و مطالعات میدانی صورت گرفته است. به منظور تعیین سطوح توسعه‌یافتگی شهرستان‌ها و رتبه‌بندی آنها، ۲۷ متغیر در قالب ۳ گروه از شاخص‌های آموزشی - فرهنگی، بهداشتی - درمانی و عمرانی - زیربنایی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. داده‌های موردنیاز از نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ استان لرستان، اطلاعات مربوط به شاخص‌های مذکور، و نیز مطالعات میدانی تهیه گردید. پس از محاسبه‌ی شاخص‌ها و متغیرها، با استفاده از "ضریب ناموزون موریس" به تعیین و اندازه‌گیری سطوح توسعه و نیز مرتبه

و جایگاه هر شهرستان در سطح استان پرداخته شد. به منظور استفاده از کاربرد GIS در زمینه‌ی نمایش و تحلیل داده‌ها و نیز ارزیابی وضعیت توسعه در سطح استان، نقشه استان به تفکیک شهرستان‌ها و نیز به تفکیک هر یک از شاخص‌های سه‌گانه و شاخص نهایی توسعه یافتگی در محیط ArcGIS تهیه شد. توضیح اینکه، پس از ورود داده‌های مربوط به هر شاخص در محیط ArcGIS نقشه‌های مورد نیاز برای تعیین و ارزیابی سطوح توسعه نواحی به دست آمد.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

استان لرستان با مساحتی حدود ۲۸۰۶۴ کیلومتر مربع (۱/۷ مساحت کل کشور) در ناحیه جنوب‌غربی ایران واقع شده است. استان لرستان از شمال به استان همدان، از شمال شرق به استان مرکزی، از شرق به استان اصفهان، از جنوب به استان خوزستان، از غرب به استان ایلام و از شمال به استان کرمانشاه محدود است. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری و استانی در سال ۱۳۸۵، این استان شامل ۹ شهرستان، ۲۳ شهر، ۳۶ بخش و ۸۳ دهستان بوده و مرکز آن شهر خرم‌آباد است. همچنین، استان لرستان دارای ۱۷۱۶۵۲۷ نفر جمعیت می‌باشد (سالنامه آماری لرستان، ۱۳۸۵: ۳۱).

بحث

مدل پژوهش

به دلیل تنوع و پیچیدگی مسائل شهری، توصیف، تحلیل و پیش‌بینی رفتار آنها، بس دشوار می‌باشد. به همین جهت در قرن اخیر، مخصوصاً در دهه‌های نیمه دوم قرن حاضر، برنامه‌ریزان به منظور کاستن از پیچیدگی سیستم و قابل کنترل نمودن آن، به استفاده از مدل‌های کمی و ریاضی توسل جسته‌اند. انتخاب روش مناسب برای تجزیه و تحلیل داده‌ها جهت رسیدن به نتایج موردنیاز، قابل قبول و منطبق بر واقعیت‌ها، مهم‌ترین قدم در تحلیل داده‌ها و اطلاعات گردآوری شده است. بنابراین داده‌ها باید به روش علمی پردازش و تجزیه و تحلیل شوند و با انتخاب مدل، تئوری و تکنیک مناسب، زمینه رسیدن به اهداف مورد نظر تحقیق را فراهم نمود (قرلیوند، ۱۳۸۴: ۷۹).

ضریب ناموزون موريس

برنامه عمران سازمان ملل متحد، الگویی برای درجه‌بندی نواحی از لحاظ توسعه یافتگی (کالبدی - انسانی)، به کار برده است که هم جدیدترین الگوی رسمی به کار گرفته در سطح جهانی بوده و هم اینکه قابلیت گسترش و جایگزینی آنها در فضاهای مورد برنامه‌ریزی با مقیاس‌های مختلف و متنوع قابل اجراست که به نام "الگوی موريس" معروف است. این روش یکی از روش‌های مؤثر در زمینه ترکیب منطقی شاخص‌های سنجش توسعه یافتگی نواحی است (حسین‌زاده دلیر، ۱۳۸۰: ۱۵۲). ضریب ناموزون موريس که نام دیگر آن "شاخص توسعه یافتگی موريس" است، با استفاده از اطلاعات در دسترس برای هر واحد سکونتگاهی، جایگاه توسعه یافتگی هر یک از واحدها را میان سایرین بر حسب هر یک از شاخص‌های انتخابی با بهره‌گیری از شاخص ناموزون موريس و در نهایت میانگین مجموعه شاخص را با استفاده از روش تحلیل (شاخص توسعه) به گونه‌ای ساده لیکن درخور توجه مشخص می‌نماید و سپس به رتبه‌بندی سکونتگاه‌ها می‌پردازد. شاخص ناموزون موريس باعث می‌گردد هر شاخص با هر واحد سنجش، عددی بین صفر تا صد گردد (صفر برای حداقل شاخص و صد برای حداکثر شاخص) و امکان مقایسه و تبدیل به یک شاخص واحد را فراهم آورد (اسکندری، ۱۳۸۰: ۲۷). برای محاسبه شاخص توسعه یافتگی موريس از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$Y_{ij} = \frac{X_{ij} - M_{ij \min}}{M_{ij \max} - M_{ij \min}} \times 100 \quad \text{رابطه (۱):}$$

که در آن:

شاخص ناموزون موريس Y_{ij} :

ام Z_{ij} در واحد i متغير X_{ij} :

ام i حداقل مقدار متغير $X_{ij \min}$:

ام i حداكثر مقدار متغير $X_{ij \max}$:

که در این رابطه i نشان‌دهنده شهرستان‌ها یا نواحی و j نشان‌دهنده متغیرها می‌باشند.

شاخص اصلی توسعه در این مدل عبارت است از:

$$D_j = \frac{\sum_{i=1}^n Y_{ij}}{n} \quad \text{رابطه (۲):}$$

شاخص اصلی یا نهایی توسعه که هر چه مقدار آن بیشتر باشد، نشان‌دهنده توسعه یافتگی بالاتر و هر چه D_j مقدار آن کمتر باشد، نشان‌دهنده درجه توسعه کمتر است.

مجموع شاخص‌های موريس: $\sum y_{ij}$

تعداد شاخص‌ها و متغیرهای مورد مطالعه N :

شاخص‌ها و متغیرهای پژوهش

شاخص‌ها در واقع به عنوان نشانگرهایی هستند که فرایند جمع‌آوری، طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل اطلاعات و نتیجه‌گیری منطقی و به‌طور کلی جهت فعالیت‌ها را مشخص و از حیث مفهومی چارچوب مناسبی را برای هدف‌گذاری، تدوین برنامه‌ریزی و ارزیابی فعالیت‌ها فراهم می‌سازند (رضوانی، ۱۳۸۲: ۲). تعیین شاخص‌های توسعه نیز مهمترین قدم در مطالعات توسعه ناحیه ای است. در واقع بیان آماری پدیده‌های موجود در ناحیه است.

شاخص‌ها ارقامی هستند که برای اندازه‌گیری و سنجش نوسان‌های عوامل متغیر در طول زمان به کار می‌روند (حکمت‌نیا

و موسوی، ۱۳۸۵: ۲۱۰).

شاخص‌ها و متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش که با استناد به چندین کار پژوهشی انجام گرفته، تدوین گردیده است،

به شرح زیر ارائه می‌گردد:

جدول شماره (۱): شاخص‌ها و متغیرهای توسعه

ردیف	آموزشی - فرهنگی	بهداشتی - درمانی	عمرانی - زیربنایی
۱	تعداد معلم دوره ابتدایی	تعداد بیمارستان	تعداد پارک عمومی
۲	تعداد مدرسه دوره ابتدایی	تعداد تخت	تعداد توالی عمومی
۳	تعداد کلاس دوره ابتدایی	تعداد مراکز بهداشتی - درمانی	تعداد ایستگاه های آتش نشانی
۴	تعداد معلم دوره راهنمایی	تعداد داروخانه	تعداد خودرو حمل زباله
۵	تعداد مدرسه دوره راهنمایی	تعداد آزمایشگاه	تعداد بانک
۶	تعداد کلاس دوره راهنمایی	تعداد پزشک متخصص	تعداد دفاتر خدمات ارتباطی
۷	تعداد معلم دوره دبیرستان	تعداد پزشک عمومی	طول راه به ازای هر صد کیلومتر مربع
۸	تعداد مدرسه دوره دبیرستان	تعداد دندانپزشک	
۹	تعداد کلاس دوره دبیرستان	تعداد پیراپزشک	
۱۰	تعداد کتابخانه		
۱۱	تعداد مسجد		

یافته‌های تحقیق

به منظور تعیین مرتبه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان لرستان و طبقه‌بندی آنها به لحاظ سطح توسعه، با استفاده از ۳ گروه شاخص‌ها و ۲۷ متغیر مورد مطالعه و بکارگیری ضریب ناموزون موریس، شاخص و رتبه توسعه‌یافتگی هر یک از شهرستان‌ها در زمینه‌های آموزشی - فرهنگی، بهداشتی - درمانی و عمرانی - زیربنایی محاسبه و تعیین گردید که نتایج آن در قالب جداول شماره (۲) و (۳) نشان داده شده است.

فصلنامه مطالعات عمران شهری

جدول (۲): شاخص شهرستان‌های استان لرستان از ۲۷ متغیر انتخاب شده بر اساس ضریب ناموزون مورس

شهرستان	شاخص آموزشی - فرهنگی																										
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷
الیگودرز	۳۳,۲	۴۱,۵	۴۰,۵	۶۳,۹	۱۴,۳	۱۸,۲	۶۳,۴	۳۶,۵	۶,۶	۴۷,۸	۶۳,۸	۱۵,۳	۴۲,۶	۶۰,۶	۵۲,۹	۴۵,۷	۹۸,۹	۱۰۰	۱۰۰	۸۶,۳	۰	۱,۶	۰	۰	۰	۶۲,۵	۰
ازنا	۴۶,۶	۴۴,۵	۱۷,۳	۵۸,۳	۲۷,۱	۳۶,۶	۱۰۰	۳۶,۱	۶,۸	۱۰۰	۱۰۰	۵۶,۴	۱۴,۸	۶۷,۸	۶۷,۱	۱۰۰	۲۲,۸	۶۶,۲	۸۰,۴	۵۰,۲	۱۰۰	۱۰۰	۱۵,۶	۱۰۰	۸۱,۸	۶۲,۵	۹۲,۲
بروجرد	۰	۰	۰	۸,۳	۰	۰	۳۵,۲	۴۰,۵	۱۲,۶	۲۶,۱	۴۰,۷	۲۷,۶	۴۹,۳	۰	۱۹,۶	۱۰۰	۱۰۰	۶۴,۴	۳۷	۱۰۰	۴۲,۵	۲۳,۵	۱۵,۶	۹,۵	۱۰۰	۷۵	۸۸,۷
پلدختر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۷۱,۴	۵۹,۸	۱۷	۱۰۰	۱۰۰	۹۱,۳	۲۵,۴	۵۰,۹	۱۰,۷	۱۰۰	۲۱,۴	۶۰,۹	۲۸,۳	۰	۳۷,۸	۶۶,۶	۲۳,۱	۵۵,۹	۱۰۰	۷,۴	۸۷,۹	۵۰	۲
خرم آباد	۳۵,۱	۳۹,۲	۱۹,۶	۵۲,۳	۱۸,۶	۳۰,۶	۳۷,۴	۷۶,۲	۷۹,۴	۵۲,۲	۵,۴	۱۰۰	۱۰۰	۵,۸	۰,۹	۵۶,۵	۹۱,۳	۱۹,۴	۳۹,۱	۷۵	۰,۶	۲۹,۴	۱۵,۳	۳۸,۹	۷۵,۸	۱۰۰	۴۱
دلفان	۴۱,۱	۲۷,۴	۳۶,۳	۱,۴	۴,۳	۳۶,۶	۰	۰	۰	۱۲,۶	۱۳	۱۶	۴,۶	۶۶,۷	۰	۱۳	۴,۳	۴۱	۶,۵	۶,۷	۴,۷	۴,۷	۰	۱۴,۷	۰	۶۲,۵	۷۰,۸
دورود	۱۰,۲	۱۰,۱	۹,۳	۰	۵,۷	۱۸,۶	۱۰	۳۴,۲	۳۳,۹	۰	۲۰,۴	۴۷,۲	۵۴,۵	۷,۲	۸۸,۶	۵۴,۳	۵۰	۱۴,۴	۴۳,۵	۱۱,۱	۱۳,۸	۳۲,۴	۱۲,۲	۱۶,۸	۳۱,۵	۳۷,۵	۱۰۰
سلسله	۵۲,۲	۵۶	۲۵,۱	۶۹,۹	۱۰۰	۱۰۰	۹,۶	۳۴,۱	۶۸,۳	۳۴,۸	۵۲,۳	۵۳,۴	۰	۵۳,۴	۹۱,۱	۴۲,۹	۰	۸۰,۲	۴۷,۸	۲۶	۲۰	۵۵,۹	۴۵,۴	۳۷,۹	۴۳,۶	۵۰	۶۹,۷
کوهدشت	۱۴,۲	۲۸,۴	۱۵,۴	۳۵,۲	۲۴,۳	۵۲,۴	۴۴,۸	۵۳,۲	۶۰,۹	۲۱,۷	۰	۰	۱۵,۲	۳۰,۸	۳۵,۷	۰	۲۸,۸	۱۸,۹	۰	۰	۱۴,۴	۶۱,۸	۵۴,۲	۳۷,۹	۰,۶	۰	۱۰,۳

جدول (۳): رتبه شهرستان‌های استان لرستان از ۲۷ متغیر انتخاب شده بر اساس ضریب ناموزون مورس

شهرستان	رتبه آموزشی - فرهنگی																										
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷
الیگودرز	۶	۴	۲	۳	۶	۷	۳	۵	۸	۲	۸	۴	۵	۴	۵	۲	۱	۱	۱	۲	۹	۸	۷	۸	۳	۳	۹
ازنا	۳	۳	۶	۴	۳	۴	۱	۶	۶	۱	۱	۶	۳	۳	۱	۳	۷	۳	۲	۵	۱	۱	۴	۱	۴	۳	۲
بروجرد	۹	۹	۹	۷	۹	۸	۶	۴	۶	۶	۴	۶	۳	۹	۱	۶	۱	۴	۶	۱	۲	۶	۴	۶	۱	۲	۳
پلدختر	۱	۱	۱	۲	۲	۱	۲	۱	۱	۵	۴	۷	۱	۷	۲	۷	۶	۹	۳	۴	۳	۳	۱	۷	۲	۴	۸
خرم آباد	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۸	۳	۸	۸	۱	۱	۳	۸	۳	۵	۳	۸	۵	۵	۲	۵	۱	۶
دلفان	۴	۷	۳	۸	۸	۴	۹	۸	۹	۸	۷	۸	۴	۸	۷	۹	۷	۵	۷	۷	۸	۷	۸	۵	۹	۳	۴
دورود	۸	۸	۸	۹	۷	۶	۷	۷	۵	۶	۹	۲	۷	۲	۴	۸	۴	۸	۴	۷	۶	۴	۶	۴	۷	۵	۱
سلسله	۲	۲	۴	۲	۱	۱	۸	۳	۳	۵	۳	۹	۲	۹	۸	۵	۹	۲	۳	۶	۴	۴	۳	۳	۳	۶	۵
کوهدشت	۷	۶	۷	۶	۴	۳	۴	۳	۴	۷	۹	۹	۵	۶	۶	۹	۵	۷	۸	۸	۹	۵	۲	۲	۳	۸	۷

مطابق جدول (۲) و (۳)، شاخص توسعه یافتگی شهرستان‌ها متفاوت بوده و از حداقل ۱۹/۴ تا حداکثر ۶۳/۱ نوسان دارد. در شاخص‌های آموزشی - فرهنگی، بهداشتی - درمانی و عمرانی - زیربنایی، شاخص توسعه شهرستان‌ها به ترتیب ۱۳/۸ تا ۸۴/۱، ۱۴/۴ تا ۶۶/۹ و ۲۱/۶ تا ۷۸/۹ تغییر می‌کند. بیشترین نوسانات توسعه یافتگی در زمینه شاخص آموزشی - فرهنگی بوده که تفاوت بین پایین‌ترین سطح و بالاترین آن حدود ۶ برابر است.

همچنین داده‌های دو جدول فوق حاکی از آن است که، شهرستان پلدختر در ۹ متغیر دارای رتبه اول است و بعد از آن شهرستان ازنا، علیرغم داشتن جایگاه اول توسعه یافتگی در سطح استان، قرار دارد که در ۵ متغیر دارای شاخص موريس ۱۰۰ می‌باشد.

بررسی مقادیر شاخص نهایی توسعه یافتگی (شاخص ترکیبی)، نشان می‌دهد که شهرستان ازنا با رقم شاخص ۶۳/۱، توسعه یافته‌ترین و دلفان با شاخص ۱۹/۴، محروم‌ترین شهرستان استان به‌شمار می‌روند. به این ترتیب، توسعه یافتگی شهرستان اول بیش از ۳ برابر محروم‌ترین شهرستان است.

جدول (۴): شاخص و رتبه نهایی و توسعه یافتگی (ترکیبی) شهرستان‌های استان لرستان بر اساس ضریب ناموزون موريس

شهرستان	آموزشی - فرهنگی		بهداشتی - درمانی		عمرانی - زیربنایی		توسعه یافتگی	
	شاخص	رتبه	شاخص	رتبه	شاخص	رتبه	شاخص	رتبه
الیگودرز	۳۹,۰	۵	۶۶,۹	۱	۲۱,۶	۹	۴۲,۵	۵
ازنا	۵۱,۹	۳	۵۸,۴	۲	۷۸,۹	۱	۶۳,۱	۱
بروجرد	۱۴,۸	۸	۵۵,۳	۳	۵۰,۷	۲	۴۰,۳	۶
پلدختر	۸۴,۱	۱	۴۳,۰	۵	۴۶,۶	۳	۵۷,۹	۲
خرم آباد	۴۰,۵	۴	۵۴,۲	۴	۲۳,۰	۵	۴۵,۹	۴
دلفان	۱۵,۷	۷	۱۷,۶	۸	۲۴,۸	۸	۱۹,۴	۹
دورود	۱۳,۸	۹	۴۱,۲	۶	۳۴,۹	۶	۳۰,۰	۷
سلسله	۵۴,۸	۲	۳۸,۷	۷	۴۶,۱	۴	۴۶,۵	۳
کوهدشت	۳۱,۹	۶	۱۴,۴	۹	۲۵,۶	۷	۲۴,۰	۸

مأخذ: محاسبات نگارندگان

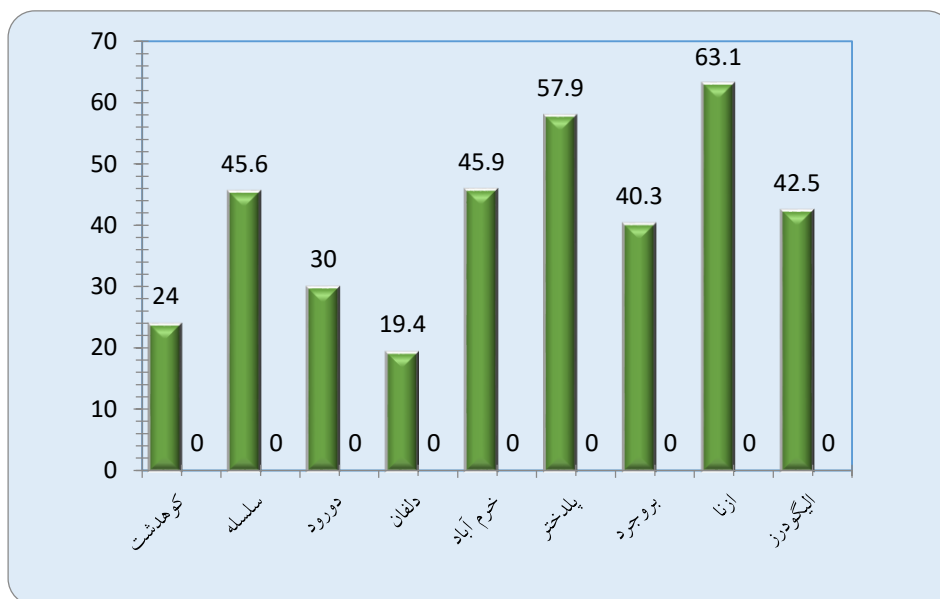
در بخش دیگری از پژوهش، به سطح‌بندی توسعه با توجه شاخص نهایی توسعه هر یک از شهرستان‌ها، که بر اساس محاسبات موريس حاصل شده است، پرداخته شد. توضیح اینکه، سه سطح برای توسعه یافتگی شهرستان‌ها در نظر گرفته شد که عبارتند از: توسعه یافته، کمتر توسعه یافته و محروم. بر این اساس شهرستان‌های با امتیاز ۴۵ تا ۸۵ توسعه یافته، ۳۰ تا ۴۵ کمتر توسعه یافته و کمتر از ۳۰ به عنوان شهرستان‌های محروم سطح‌بندی شدند.

جدول (۵): سطح‌بندی توسعه شهرستان‌های استان لرستان بر اساس شاخص نهایی (ترکیبی) توسعه آنها

سطوح توسعه	شهرستان‌ها	رتبه توسعه
توسعه یافته	ازنا	۶۳
	پلدختر	۵۸
	سلسله	۴۷
	خرم آباد	۴۶
کمتر توسعه یافته	الیگودرز	۴۳
	بروجرد	۴۰

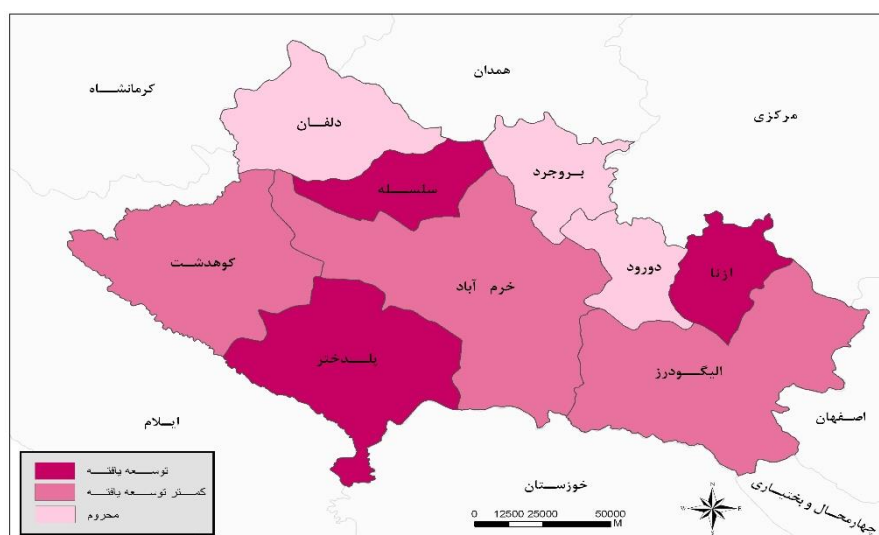
۳۰	دورود	
۱۹	کوهدشت	محروم
۲۴	دلفان	

مآخذ: محاسبات نگارندگان

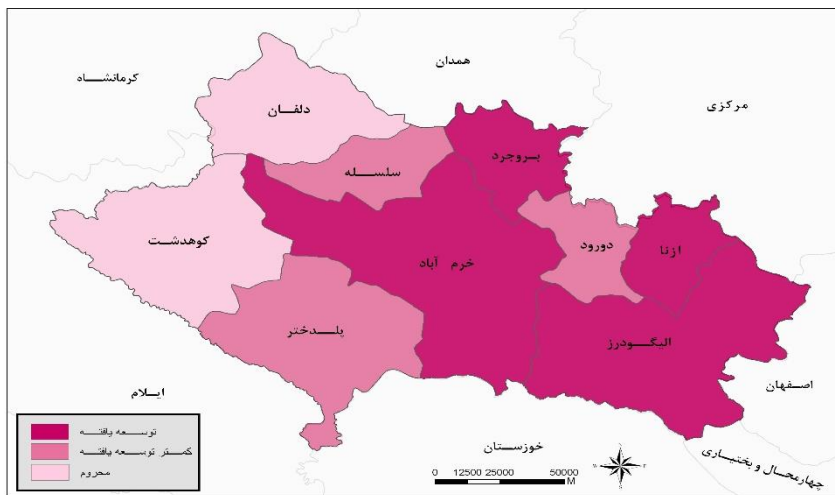


شکل (۱): شاخص توسعه یافتگی شهرستان‌های استان لرستان بر اساس ضریب ناموزون مورس

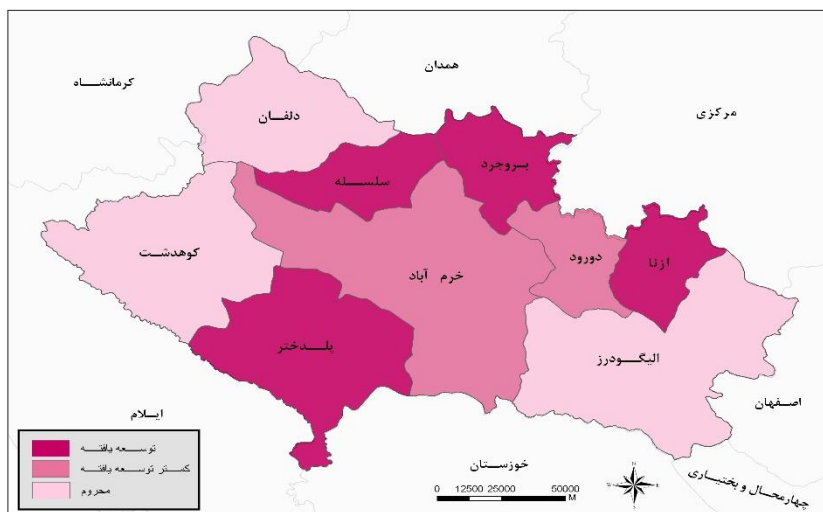
به منظور مطالعه بهتر، و نیز استفاده از کاربرد GIS در نمایش توزیع و پراکندگی توسعه و شاخص‌های آن در سطح شهرستان‌ها، بر حسب سه سطح توسعه، نقشه‌هایی تهیه شد که وضعیت توسعه یافتگی شهرستان‌ها بر اساس شاخص‌های سه گانه و نیز شاخص ترکیبی توسعه یافتگی را به نمایش می‌گذارند.



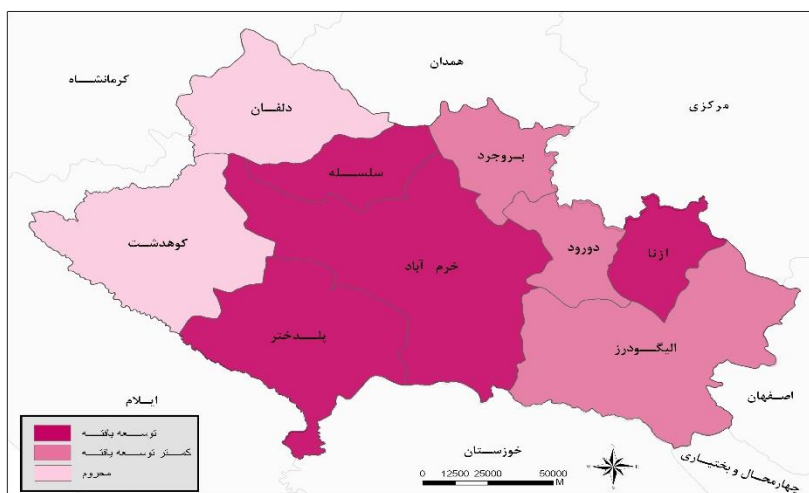
شکل (۲): سطوح توسعه شهرستان‌های استان لرستان به لحاظ شاخص‌های آموزشی - فرهنگی



شکل (۳): سطوح توسعه شهرستان های استان لرستان به لحاظ شاخص های بهداشتی - درمانی



شکل (۴): سطوح توسعه شهرستان های استان لرستان به لحاظ شاخص های عمرانی - زیربنایی



شکل (۵): سطوح توسعه یافتگی شهرستان های استان لرستان

در مورد تحلیل سطوح توسعه شهرستان‌ها، همانطور که نقشه شماره (۵) نشان می‌دهد، از الگوی خاصی تبعیت نمی‌کند. با توجه به اینکه بیشتر شاخص‌های مورد استفاده در این پژوهش متکی به داده‌های غیر طبیعی است، نمی‌توان محرومیت و سطح پایین توسعه شهرستان‌ها را به عوامل جغرافیایی و شرایط محیطی نسبت داد. از طرفی با توجه به اینکه شاخص‌های مورد بحث، در زمره معمولی‌ترین و پایه‌ای‌ترین نیازهای جمعیتی در هر سطح سکونتگاهی هستند و دیگر اینکه شیوه‌های مدیریتی و نوع بهره‌برداری از امکانات و منابع مالی از طرف مدیران در چگونگی توزیع آنها در سطح نواحی و مناطق مؤثر است، در این زمینه سهم شیوه عملکرد مدیریت اقتصادی در شهرستان‌ها را می‌توان عامل به وجود آمدن سطوح مختلف توسعه شهرستان‌های استان از نظر شاخص‌های مورد بررسی به حساب آورد.

نتیجه‌گیری

یکی از ابزارهایی که می‌تواند در برنامه‌ریزی برای توسعه یکپارچه نواحی و مناطق مختلف کشور کاربرد وسیعی داشته باشد، دسته‌بندی مناطق یا شهرستان‌ها از لحاظ توسعه یافتگی و یا عدم توسعه یافتگی است. جهت دستیابی به این هدف، شناخت و تحلیل وضع موجود و بررسی امکانات و تنگناهای نواحی در زمینه‌های مختلف ضروری بوده و برنامه‌ریزان را در تعیین اهداف توسعه و مشخص کردن سیاست‌ها، خط‌مشی‌ها و راهکارهای دستیابی به آنها یاری می‌رساند. روش‌ها و مدل‌های گوناگونی برای سنجش سطح برخورداری و میزان توسعه یافتگی مناطق وجود دارد، از جمله آنها که در این مقاله از کاربرد آن استفاده گردید، می‌توان به مدل ضریب ناموزون موریس اشاره کرد.

با بکارگیری روش موریس در تعیین جایگاه و مرتبه توسعه شهرستان‌های استان لرستان، به این نتیجه رسیدیم که بر اساس شاخص‌های انتخابی، توسعه یافته‌ترین شهرستان‌ها به ترتیب عبارتند از: ازنا، پلدختر، سلسله و خرم‌آباد، و شهرستان‌های محروم شامل دلفان و کوهدشت می‌باشند. در این بین شهرستان‌های خرم‌آباد، الیگودرز و بروجرد در جایگاه کمتر توسعه یافته قرار دارند.

از طرفی بررسی شاخص کل (ترکیبی) توسعه یافتگی نشان می‌دهد، توسعه یافته‌ترین شهرستان (ازنا) نسبت به محروم‌ترین شهرستان (دلفان) بیش از ۳ برابر توسعه یافته‌تر است. تفاوت سطوح توسعه یافتگی در زمینه آموزشی - فرهنگی بیش از دو شاخص دیگر است، به طوری که رقم شاخص نهایی آموزشی - فرهنگی بالاترین سطح توسعه (پلدختر)، ۶ برابر پایین‌ترین سطح توسعه (بروجرد) می‌باشد. از طرفی، در بررسی عدم توسعه متعادل و نیز محرومیت شهرستان‌ها، می‌توان نقش شیوه‌های مدیریتی و نوع بهره‌برداری از امکانات و منابع را مؤثر دانست و مدیریت اقتصادی در شهرستان‌ها را عامل اصلی تعیین سطوح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان لرستان از نظر شاخص‌های مورد بررسی به حساب آورد.

پیشنهادات

در فرآیند توسعه، هر چند ارتقاء همه نواحی دارای اهمیت است، ولی توجه به نواحی‌ای که در محرومیت بوده و با چالش‌های جدی در زمینه توسعه مواجه هستند، اهمیت بیشتری دارد. در استان لرستان با وجود اینکه در فرآیند توسعه، تهیه و اجرای طرح‌ها و برنامه برای همه نواحی ضرورت دارد و نباید از آن غافل ماند، اما پرداختن به شهرستان‌هایی که در پایین‌ترین مرتبه توسعه یافتگی قرار دارند و به عبارتی در همه شاخص‌های مورد بررسی در وضعیت محروم بسر می‌برند، از اولویت بیشتری برخوردار است.

نکته دیگر اینکه، با در نظر گرفتن داده‌های مربوط به جداول (۲) و (۳)، مسئولین و مدیران استان و شهرستان‌ها می‌بایست در متغیرهایی که پایین‌ترین رتبه را دارند، تلاش بیشتری نموده تا به نوعی تعادل و برابری در توزیع امکانات دست یافت. از

موارد دیگر قابل اشاره که در قالب پیشنهاد ارائه می‌شود، این است که طرح‌های توسعه و عمران نواحی و شهرستان‌ها از حالت بایگانی خارج شده و به مرحله اجراء درآیند. همچنین گسترش فضاها و امکانات متناسب با تراکم جمعیتی شهرستان‌ها از ضروریات بوده و مانع از مهاجرت موقت و دائم از نقاط محروم جهت استفاده از امکانات و خدمات نواحی توسعه یافته می‌شود.

منابع

- اسکندری، ابوالقاسم، (۱۳۸۰)، «*رزیابی نحوه توزیع مراکز خدمات درمانی شهر تهران*»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی.
- برقی، حمید، قنبری، یوسف و حجاریان، احمد، (۱۳۹۰)، «*تحلیل درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان اصفهان در شاخص‌های عمده بخش کشاورزی*»، *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، دوره ۲، شماره ۴، ۱۲۸-۱۱۳.
- حسین‌زاده دلیر، کریم، (۱۳۸۰)، «*برنامه‌ریزی ناحیه‌ای*»، تهران: انتشارات سمت.
- حکمت‌نیا، حسن و موسوی، میرنجف، (۱۳۸۵)، «*کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای*»، یزد: انتشارات علم نوین.
- خاکپور، براتعلی، (۱۳۸۸)، «*بررسی و تحلیل نابرابری در سطوح توسعه‌یافتگی مناطق شهر مشهد*»، *مجله دانش و توسعه*، دوره ۱۶، شماره ۲۷؛ ۱۸۲-۲۰۲.
- رضوانی، محمدرضا، (۱۳۸۲)، «*تعیین و تحلیل سطوح برخورداری نواحی روستایی استان زنجان*»، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.
- سالنامه آماری لرستان، (۱۳۸۵)، مرکز آمار ایران.
- شکویی، حسین، (۱۳۸۹)، «*جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی*»، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- عبدلی، اصغر، محمدی، جمال و فتحی بیرانوند، محمد، (۱۳۹۱)، «*بررسی سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان لرستان به تفکیک بخش‌های مسکن و خدمات رفاهی - زیربنایی، کشاورزی و صنعت*»، *مجله پژوهش‌های کاربردی جغرافیایی*، دوره ۱۲، شماره ۲۵، ۱۵۰-۱۲۷.
- عظیمی، ناصر، (۱۳۸۴)، «*برنامه‌ریزی منطقه‌ای شهر و انباشت سرمایه*»، نشر نیکا.
- فرجادی، غلامعلی، (۱۳۷۰)، «*درآمدی بر نظریه‌های رشد و توسعه‌ی اقتصادی*»، نشر البرز.
- فنی، زهره، (۱۳۸۸)، «*درآمدی بر توسعه، جهانی شدن و پایداری (جغرافیای توسعه)*»، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- قریونند، فرزاد، (۱۳۸۰)، «*بررسی و تحلیل نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی در نواحی شهری استان لرستان*»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد.
- مسعود، محمد، (۱۳۹۰)، «*تعیین درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان اصفهان با تکنیک تاکسونومی عددی*»، *مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، دوره ۲، شماره ۸، ۵۴-۳۹.

